

به نام خدا

نقش علوم اجتماعی در خود آگاهی اجتماعی و تاریخی

انسان موجودی اجتماعی است. بدین معنی که هم شکل گیری شخصیت او در زندگی اجتماعی امکانپذیر است، هم یک سری از نیازهای او در جامعه امکان ارضا شدن دارد، و هم طی طریق کمال و رشد و شکوفایی استعدادهای او در جامعه میسر است. همچنین، انسان در زندگی اجتماعی و در تعامل با انسانهای دیگر است که خود را می شناسد و از وجود خود آگاه می شود (Mead, 1934: 135-173). اما «خودآگاهی» او ابعاد دیگری نیز دارد که در رابطه او با محیطهای گوناگون و پیچیده شکل می گیرد، مانند محیط روانی و فیزیولوژیکی «خودش»، محیط طبیعی، محیط اجتماعی، محیط فرهنگی، محیط تاریخی، و محیط بین المللی که از آنها متأثر می شود. به همین علت «خودآگاهی» او شامل دایره های متداخل متعددی است، مانند آگاهی از وجود خودش؛ آگاهی از تعلقش به گروه، قشر، طبقه اجتماعی و به ملیت خاص؛ آگاهی او از تعلقش به مذهب، فرهنگ و تاریخ ملی خاص؛ و آگاهی او از این که به شهر، منطقه، جغرافیای طبیعی، عصر و زمان، و به دنیای خاصی تعلق دارد.

انسان در رابطه متقابل با کم و کیف این محیطهای گوناگون است که استعدادهای

بالقوه اش فعلیت می‌یابد و شخصیت خاص خود را پیدا می‌کند، و انسانی می‌شود با فکر خاص، با ایمان خاص، با باورها، ارزشهای خاص، رفتارهای خاص، نگرشها، و با زبان و احساس خاص، و در یک کلمه با شخصیت خاص خود. اما چگونگی تعامل انسان با این محیطهای گوناگون، به مقدار زیادی، ناخودآگاهانه است و میزان و چگونگی روابط متقابل و تأثیر و تأثر انسان با این محیطها برای او روشن نیست (Hunt, 1987: 4). آگاهی انسان بر کم و کیف این محیطها، ناقص، نارسا و گاهی حتی نادرست است در حالی که چگونه زیستن و چگونه اندیشیدن انسان و رفتارهای دیگر او از کم و کیف این آگاهیها به شدت متأثر می‌شود. نقش علوم اجتماعی که موضوع مطالعه همه آنها رفتارهای گوناگون انسان است، از همین جاست که آشکار می‌شود (Homans, 1967: 3).

مگر علوم اجتماعی، مانند جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، سیاست، اقتصاد، روان‌شناسی، جغرافیا، و ارتباطات، هدفی غیر از این دارند که از دیدگاه خاص خود به انسان که محور همه دانشهای اجتماعی و فرهنگی است بنگرند و محیطهای مختلف اجتماعی انسان و روابط متقابل بین آنها، و بین انسان و آنها را کشف، توصیف و تبیین کنند؟ اگر چنین است چه علمی بیش از علوم اجتماعی و فرهنگی می‌توانند عامل توسعه، رشد و کمال انسان و جامعه شوند؟ آیا این واقعیت برای اولویت دادن به توسعه این علوم در جوامع امروزی و جامعه ما کافی نیست؟

اساساً یک فرق مهم، بین علوم اجتماعی و انسانی و علوم دیگر وجود دارد: اگر علوم دیگر وسیله تأمین نیازهای انسان، و لذا به طور غیر مستقیم عامل رشد و کمال او می‌شوند، علوم اجتماعی و فرهنگی، هم مستقیماً می‌توانند باعث کمال و رشد انسانی شوند و هم غیر مستقیم با فراهم کردن محیط اجتماعی و فرهنگی مناسب رشد و کمال او.

به این دلیل است که هر چه علوم اجتماعی رشد یافته‌تر باشند میزان خودآگاهی فردی و اجتماعی و تاریخی انسان بالاتر خواهد رفت و «خود» را بهتر خواهد شناخت و احساس تعلق و احساس مسئولیتش نسبت به محیطهای گوناگونش افزون‌تر خواهد شد و تسلط او بر محیط درونی خود و محیط بیرونی‌اش افزون‌تر، و در نتیجه امکان «از خود بیگانگی» او، که از بلاهای مهم انسان امروز است، کمتر خواهد شد (Rex, 1974: 141-145).

پس اگر ارل بی بی می‌گوید که جامعه‌شناسی علمی است که زمان آن فرا رسیده است، زیرا جامعه‌شناسی تغییری در طرز تفکر ایجاد می‌کند که در دنیای امروز بسیار ضروری است (Babbie, 1988: xi) و اینکه جامعه‌شناسی انسان را نیرومند می‌سازد تا بتواند در تقابل فرد و جامعه راه مناسبی را برگزیند (Ibid: Xii)، در سطح وسیعتری می‌توان ادعا کرد که علوم اجتماعی، علمی هستند که وقت آن رسیده است که ما بدانها اهمیت لازم را بدهیم، زیرا که علوم اجتماعی خود آگاهی انسان را افزایش می‌دهند و او را نیرومند می‌سازند تا با مسایل محیطهای گوناگون اجتماعی‌اش مناسبتر برخورد کند و راه بهتر را برگزیند.

چنانکه اشاره شد هر یک از علوم اجتماعی با یکی از محیطهای مهم انسان سر و کار دارند: مثلاً تاریخ، متولی حافظه جمعی یک جامعه است که شخصیت جمعی مردم را شکل می‌دهد و با نشان دادن ریشه‌های تاریخی انسان به او می‌آموزد که کیست (Landes, 1971:5)؛ انسان‌شناسی با مبدا، رشد و توسعه انسان و فرهنگش سر و کار دارد (Smith, 1970:5)؛ علوم سیاسی در مورد چگونگی تصمیم‌گیری در باره توزیع منابع موجود و تنظیم زندگی جمعی در سطوح مختلف گروهها و سازمانهای اجتماعی و ملی و بین‌المللی بحث می‌کند (Eulau, 1969: 13-14)؛ روانشناسی، رفتارهای مختلف ظاهری انسان، مانند سخن گفتن، و رفتارهای ذهنی انسان مانند تفکر را که دایره وسیعی از موضوعات مربوط به زندگی انسان، از بهداشت روانی گرفته تا تجارت و سیاست را در برمی‌گیرد، مورد مطالعه قرار می‌دهد (Clark, 1970: 5-11)؛ و بالاخره جامعه‌شناسی به طور علمی آنچه را که مربوط به شرایط زندگی اجتماعی و گروهی انسانهاست بررسی می‌کند (Smelser, 1969: 6). در واقع جامعه‌شناسی کلان، همچنانکه لنسکی می‌گوید: «یکپارچه سازی تمام مواد و مصالح حاصل از دیگر علوم اجتماعی را بر عهده می‌گیرد و نظریه‌های عمومی لازم را برای توضیح و تشریح موجودیت پیچیده و حیاتی جامعه‌های بشری عرضه می‌دارد.» (لنسکی، ۱۳۶۹: پنج).

البته علوم اجتماعی محدود به رشته‌های مذکور نیست، بلکه شامل رشته‌های علمی متعدّد دیگری مانند ارتباطات جمعی، مدیریت، زیان‌شناسی و غیره است که هر کدام در حال گسترش هستند و مرزهای جدیدی از دانش بشری را می‌کشایند و شاخه‌های جدید مهمی را ایجاد می‌کنند. مثلاً انسان‌شناسی اکنون خود شامل شاخه‌های انسان‌شناسی جسمانی،

انسانشناسی اجتماعی، انسانشناسی فرهنگی، انسانشناسی سیاسی، انسانشناسی اقتصادی، زبانشناسی انسان شناختی، و باستان شناسی است (کولمن، ۱۳۷۲: ۴-۱)، که می‌تواند نقش بسیار مؤثری در توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در کشورهای جهان سوم ایفا کند. اگر انسان شناسان در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این کشورها نقش بیشتری داشته باشند، می‌توانند خواسته‌ها و نقطه نظرهای عشایر و روستاییان را بخوبی بشناسند و مانع تحمیل طرحها و برنامه‌های تک بعدی ناموفق شوند و سبب شوند که طرحهای توسعه کارآتر و مناسبتری تدوین و اجرا شوند (کولمن، ۱۳۷۲: ۱۴۴-۱۴۱).

بنابر این رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی در عین اینکه مرزهای مشترک با هم دارند، هر یک محیط اجتماعی خاصی را مورد توجه قرار می‌دهند و خود آگاهی انسان را از آن و در نتیجه میزان کنترل انسان بر آن را افزایش می‌دهند. از این رو علوم اجتماعی می‌توانند، مستقیماً و غیر مستقیم از مهمترین عوامل رشد و ارتقای انسانها و جوامع انسانی باشند، به طوری که اگر جامعه‌ای ارزش محوری و اساسی به رشد و کمال انسان قایل باشد می‌بایست توسعه و رشد این علوم در آن جامعه از بالاترین اولویت برخوردار باشد. مثلاً اگر علوم سیاسی در یک کشور عقب مانده باشد، نخبگان سیاسی شایسته‌ای که زمام امور جامعه را در دست گیرند، تربیت نخواهند شد و افراد ناشایسته‌ای در رأس امور قرار خواهند گرفت و در نتیجه نظام جامعه از هم خواهد پاشید، در صورتی که اگر علم شیمی در جامعه از رشد کمی برخوردار باشد هرگز چنین آسیبی به جامعه وارد نخواهد شد.

از همین دیدگاه است که استاد حسین العطاس در سخنرانی خود درباره اسلام و علوم اجتماعی به درستی به اهمیت علوم اجتماعی تأکید کرده و گفته است: «حیات و رشد و توسعه ایران، به حوزه‌هایی که در حیطه علاقه خاص علوم اجتماعی قرار دارد، وابسته است. چنانچه روابط موجود در ایران، در آینده شکلی ناموزون یابند، پیامد آن ویرانی مملکت خواهد بود... در حالی که اگر ساختمانها و پلها فرو ریزند، نمی‌توانند به سادگی جامعه را در وضع وخیمی که منجر به ویرانی آن شوند، قرار دهند... تمام این موضوعات مهم که اساس بقای ایران محسوب می‌شوند، باید توسط علوم اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرند. در نتیجه، مهمترین مسئله در تعلیم و تربیت ایران این است که باید به تعلیم عالمان اجتماعی طراز اول اولویت داده شود.»

(العطّاس، ۱۳۶۷: ۲).

فصلنامه علوم اجتماعی همت خود را بر رشد و توسعه علوم اجتماعی در کشور قرار داده است و در هر شماره از آن، مقالات علمی جدیدی را در زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند و امید آن دارد که قدمی هر چند کوچک در راه ارتقای این علوم در جامعه برداشته باشد. در این شماره نیز مانند شماره‌های قبل، مقالات متنوعی را در زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی به علاقه‌مندان عرضه کرده که هر یک کار علمی جدیدی از همکاران و اندیشمندان علوم اجتماعی کشور است.

مقاله «موزه‌هایی در باد: معرفی مجموعه عظیم سنگ نگاره‌های نو یافته تيمره» کشف جدیدی از میراث‌های فرهنگی غنی کشور تاریخی و کهنسال و متمدّن عزیزمان را برای اولین بار معرفی می‌کند. این کشف مهم و تاریخی که به وسیله محقق ارجمند، آقای دکتر مرتضی فرهادی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی انجام گرفته است برخی از زوایای تاریک پیش از تاریخ این ملت را روشن نموده و کمک شایانی به توسعه انسان شناسی ایران و خود آگاهی فرهنگی و تاریخی ملت ما خواهد کرد. مقاله ایشان «گزارشی از بزرگترین مجموعه نو یافته سنگ نگاره‌های حکاکی شده صخره‌ای و نشانه‌های نمادین ما قبل هیروگلیف در ایران و آسیاست. اهمیت این مجموعه نه بزرگی اندازه نگاره‌ها، بلکه به خاطر پهنه کار، کثرت تصاویر، تکرار نمادها و تنوع بسیار از لحاظ مضمون و صحنه‌های کیمیا و یا حتی منحصر بفرد در نقاشی‌های پیش از تاریخ آدمی است.»

در مقاله «عوامل مؤثر بر توسعه روستایی»، آقای دکتر سام آرام نتایج تحقیق خود را در مورد برخی از عوامل مؤثر بر توسعه روستاهای ایران ارائه کرده است که امید است مورد توجه علاقه‌مندان به مسایل توسعه روستایی کشور قرار گیرد. دو مقاله نیز در این شماره فصلنامه در باره وضعیت زنان کشور است: یکی مقاله «اشتغال زنان و نقش تعاونیها» از خانم دکتر شادی طلب که هدف آن «شناخت شرایط موجود اشتغال زنان و بررسی توانایی تعاونیها در ایجاد فرصتهای شغلی جدید برای زنان است»؛ و دیگری مقاله «اثر اشتغال زنان کارگر بر میزان مشارکت زوجین در امور خانواده» است که نتیجه تحقیق خانم دکتر جارااللهی در این زمینه است. هدف این پژوهش به نظر ایشان «شناخت میزان قدرت تصمیمگیری زنان مورد

مطالعه در امور اساسی خانواده و میزان مشارکت همسرانشان با آنان در انجام کارهای مربوط به خانه در اثر وضعیّت اشتغال زن» بوده است.

از آقای دکتر سرایی، مقاله‌ای تخصصی در مورد روشهای محاسبه جدول عمر ارایه شده است، و در مقاله «بررسی میزان اعتماد دانشجویان به رسانه‌های خبری»، آقای دکتر بدیعی نتیجه تحقیق خود را در یکی از زمینه‌های علوم ارتباطات عرضه کرده که در آن میزان اعتماد گروهی از دانشجویان به اخبار داخلی و خارجی رسانه‌های جمعی بررسی شده است. در مقاله «درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر و ادبیات» آقای فاضلی سعی کرده است موضوعات، تاریخچه، و برخی از رهیافتهای جامعه‌شناسی ادبیات را مرور کند و وضعیّت متون موجود در این زمینه در ایران را مورد بررسی قرار دهد.

در این شماره فصلنامه، ترجمه مقاله‌ای نیز با عنوان «صنعتی شدن و توسعه» از خانم دکتر قادری درج شده است که دو دیدگاه نظری در مورد توسعه در آن بررسی شده است: دیدگاه ساختارگرا و دیدگاه لیبرال جدید. در نهایت، متن یک سخنرانی نیز از فیلسوف ارجمند، جناب استاد محمد تقی جعفری که در دانشگاه شفیلد انگلستان در مورد «جایگاه تحقیقات در علوم انسانی» ایراد شده، ارایه شده است.

چنانکه ملاحظه می‌شود هر یک از مقالات درج شده در این شماره فصلنامه در یکی از حوزه‌های متعدد علوم اجتماعی است که امید است بر غنای علمی این حوزه‌ها بیفزاید و زمینه مساعدی را جهت تحقیقات بیشتری در این زمینه‌ها و در جهت شناخت اهمیت و ضرورت پرداختن جدی به علوم اجتماعی در ایران فراهم سازد. امید است که در آینده، علوم اجتماعی در جامعه ما از اولویّت بالاتری برخوردار شود و شرایط لازم برای رشد و توسعه بیشتر آنها فراهم آید تا خود زمینه را برای رشد و توسعه بیشتر کشور فراهم کند و سبب افزایش خود آگاهی اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی مردم شایسته ایران شده و آنها را از خودبیگانگی اجتماعی و فرهنگی مصون بدارد.

دکتر محمد حسین پناهی

مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه

منابع:

- العطّاس، حسین. «درباره اسلام و علوم اجتماعی». نامه علوم اجتماعی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. دوره جدید، شماره (۱)، پاییز ۱۳۶۷.
- کولمن، سایمون (و) واتسون، هلن. درآمدی به انسان‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر سیمرغ، ۱۳۷۲.
- لنسکی، گرهارد (و) لنسکی، جین. سیر جوامع بشری. ترجمه دکتر ناصر موفقیان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.

Babbie, Earl. *Sociological Spirit*. Wadsworth Publication Co. 1988.

Clark, Kenneth E. (ed). *Psychology*. P. H. I, 1970.

Eulau, Heinz. et al, (ed). *Political Science*. Prentice-Hall, Inc, 1969.

Homans, George C. *The Nature of Social Sciences*. Harcourt, Brace & World Inc. New York, 1967.

Hunt, Elgin F. & David Colander. *Social Science*. Six ed., Macmillan Publishing Co, 1987.

Landes, David S. & Charles Tilly (ed). *History, As Social Science*. Prentice-Hall, Inc, 1971.

Mead, George H. *Mind, Self, and Society*. University of Chicago Press, 1934.

Rex, John. *Sociology and the Demystification of the Modern World*. Routledge &

Kegan. London, 1974.

Smelser, Neil & James A. Davis (ed). *Sociology*. Prentice Hall Inc, 1969.

Smith, Allan H. (ed). *Anthropology*. Prentice Hall, Inc, 1970.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی